



انترناسیونال

۲۷۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۵ آذر ۱۳۸۷، ۵ دسامبر ۲۰۰۸

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

زنده باد آزادی، برابری، هویت انسانی پیام حمید تقوائی بمناسبت شانزده آذر

شانزدهم آذر روز آزادی و برابری و روز
اعتراض به رژیم وحشی و فاسد
جمهوری اسلامی است. سالهاست
دانشجویان با پرچم سرخ آزادی و
برابری و "سوسیالیسم یا بربریت" در
برابر حکومت ایستاده اند و خواستها
و آرمانهای انسانی توده مردم متنفر
از رژیم حاکم را نمایندگی کرده اند.
صفحه ۱۰

اطلاعیه پایانی سی و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

گزارشی از مراسم هفدهمین سالگرد تأسیس حزب

صفحه ۱۰



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران خطاب به مردم ایران!

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه!
جمهوری اسلامی غرق در فساد و
بحران و بن بست، در تناقضات و
کثافات خود دست و پا میزنند. هر
روز تلاش این حکومت دزدان و
قاتلان اسلامی برای بقاء، به معنی
تحمیل فقر و فلاکت و بی حقوقی
بیشتر و پاشیدن ابتدال بازهم بیشتر
به جامعه است. حزب کمونیست
کارگری شما را به گسترش مبارزه
برای آزادی و برابری، به متشکل و
صفحه ۲

پلنوم سی و یک کمیته مرکزی حزب

گفتگو با اعضای دفتر سیاسی

به مناسبت هفدهمین سالگرد تأسیس حزب

صفحه ۸

بخش سوم و پایانی

قطعه نامه در مورد جایگاه و اهمیت حزب

مصوب سی و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب باتفاق آرا

۱- مبارزه سوسیالیستی مبارزه ای
سازمان یافته است و حزب سازمان
رهبری و پیشبرد این مبارزه است.
برای کمونیسم کارگری حزب و
حزبیت امری هویتی و جزء لاینفک
مبارزه برای برانداختن سرمایه داری
و تحقق سوسیالیسم است.
۲- حزب و مبارزه سازمان یافته
حزبی يك پیش شرط کسب قدرت
سیاسی بوسیله طبقه کارگر است.
صفحه ۳

سانسورچی یا جنایتکار؟

قتل های زنجیره ای و کانون نویسندگان

صفحه ۵

خلیل کیوان

آزادی بیان بدون مبارزه

با اسلام سیاسی ممکن نیست

مصاحبه با افسانه وحدت

صفحه ۷

قطعه نامه در مورد بحران جهانی بورژوازی

مصوب سی و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب به اتفاق آرا

۱- بحران اقتصادی جاری که از
مدتها قبل نشانه های آن آشکار شده
بود و با سقوط وال استریت و
ورشکستگی بانکها به اوج خود
رسید، ذاتی نظام سرمایه داری است
و در کارکرد این نظام بعنوان يك
سیستم تولیدی مبتنی بر سودآوری و
انباشت هرچه بیشتر سرمایه ها ریشه
دارد. تاثیرات این بحران هم اکنون در
بخش صنعتی و تجاری، به شکل
افت شدید تقاضا و کساد بازار
کالاها، در معرض ورشکستگی قرار
گرفتن کمپانیهای عظیم تولیدی، و
صفحه ۴

اکبر گنجی و حزب دمکرات کردستان

در انتهای یک مسیر!

صفحه ۶

مهرنوش موسوی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اطلاعیه پایانی سی و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

از صفحه ۱ بیانیه کمیته مرکزی ...

مردم! جمهوری اسلامی به سبک خود اعتراف میکند که "صدای انقلاب شما را شنیدیم". حزب کمونیست کارگری شما را فرامیخواند تا حول پرچم حزب متحد شوید و برای پایان دادن به بختک ۳۰ ساله حکومت اسلامی به میدان بیایید. اکنون دیگر روشن است که راه واقعی اتحاد و همبستگی سراسری مردم ایران متشکل شدن حول آن حزبی است که انسانیت و رفاه و شادی را در سیاست نمایندگی میکند. اکنون دیگر روشن است که رهایی کارگران و مردم محروم امر مبارزه و انقلاب عظیم و سازمانیافته و رادیکال خود آنان است و حزب چنین انقلاب انسانی، قدرتمند و همه جانبه ای که نه جمهوری اسلامی و نه هیچ نیروی بورژوازی یارای مقابله با آن نداشته باشد، حزب کمونیست کارگری است.

پلنوم ۳۱ کمیته مرکزی حزب بار دیگر شما کارگران و مردم شریف را به متشکل شدن در صفوف حزب و گسترش مبارزه علیه جمهوری اسلامی، علیه فقر و فلاکت، علیه حجاب و آپارتاید جنسی، علیه تبعیض و بی حقوقی و برای آزادی و برابری و رفاه فرا میخواند. کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری بار دیگر آمادگی و عزم خود را برای پیروزی رساندن انقلاب شما علیه جمهوری اسلامی و اوضاع فلاکتباری که رژیم اسلامی سرمایه حاکم کرده و مدافع آنست، و برای برپایی جمهوری سوسیالیستی اعلام میدارد.

پلنوم سی و یکم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ۳۰ نوامبر ۲۰۰۸، ۹ آذرماه ۱۳۸۷

متحد شدن حول پرچم حزب و به انقلاب علیه جمهوری اسلامی فرا میخواند.

جمهوری اسلامی را از گور تاریخ بیرون کشیدند تا انقلاب ۵۷ و خواسته های شما را به خون بکشد. ۳۰ سال پس از آن انقلاب اکنون رژیم ۱۰۰ هزار اعدام در محاصره خشم، نفرت، اعتراض و انقلاب مجدد شما قرار دارد. جمهوری اسلامی در بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حکومتی گرفتار است که منشاء آن پذیرفته نشدن این رژیم از سوی شماست. اعتصابات توقف ناپذیر کارگران، اعتراض هر روزه و میلیونی زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی، مبارزه جوانان برای خلاصی فرهنگی، فریاد "معیشت منزلت حق مسلم ماست" توسط معلمان، برافراشتن پرچم "سوسیالیسم یا بربریت" در دانشگاه همه و همه پیش لرزه های انقلاب اجتماعی عظیمی است که در اولین قدم جمهوری اسلامی را ریشه کن خواهد کرد. فساد و درهم ریختگی ای که سرتاپای این رژیم را فرا گرفته است، رو کردن گوشه هایی از چپاول آیت الله های میلیاردی و دکترهای جعلی و فساد اداری توسط خود این لمپن های اسلامی که از ناچاری بورژوازی ایران به قدرت رسانده شدند، اوضاعی شبیه روزهای آخر حکومت شاه را تصویر میکنند. جمهوری اسلامی با نمایشات مسخره و غریبی چون رژه نیروهای ناجا در خیابان های تهران البته میکوشد تا خود را مستحکم و آماده مقابله با

انقلاب مردم جلوه دهد، اما متوجه نیست که دارد با صدای بلند به تمام جهان اعلام میکند که دقیقا از وحشت خطر همین انقلاب آرامش و امنیت از او سلب شده است.

دولتی و هم بعنوان امری عقیدتی، مورد بحث و بررسی قرار داد. سخنرانی افتتاحیه پلنوم و بحث معرفی سمینار در مورد مذهب، در طی روزهای پلنوم از تلویزیون کانال جدید پخش شد. اسناد و مباحث دیگر پلنوم نیز بزودی منتشر خواهد شد.

در مبحث انتخابات، حمید تقوایی با توافق آرا بعنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و ۲۱ نفر زیر نیز بعنوان دفتر سیاسی حزب انتخاب شدند:

محمد آسنگران، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، فاتح بهرامی، کیوان جاوید، فرشاد حسینی، شهلا دانشفر، بهرام سروش، سهیلا شریفی، عصام شکری، مصطفی صابر، حسن صالحی، مرتضی فاتح، اصغر کریمی، خلیل کیوان، نوید مینائی، مریم نمازی و کاظم نیکخواه. در جلسه کوتاه دفتر سیاسی که بلافاصله پس از پلنوم برگزار شد مصطفی صابر به اتفاق آرا بعنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

پلنوم پس از سه روز بحث و تصمیم گیری در مورد موضوعاتی که در دستور داشت با سخنرانی اختتامیه حمید تقوایی به کار خود پایان داد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲ دسامبر ۲۰۰۸، ۱۲ آذر ۱۳۸۷

مشخصا فعالیت کانال جدید، سازماندهی حزب در داخل کشور، کمپینها و فعالیتهای بین المللی و فعالیتهای مالی حزب مورد بررسی قرار گرفت. اصغر کریمی در گزارش خود به این دوره به عنوان یک دوره استثنایی با دستاوردهای بسیار مهم اشاره کرد. سپس مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی سخنرانی کرد. مصطفی صابر در مورد نقش حیاتی کانال جدید در سرنوشت حزب و جامعه صحبت کرد و بر اهمیت و مبرمیت سازماندهی فعالیتهای مالی برای ادامه کاری تلویزیون حزب و گسترش فعالیتهای حزب در عرصه های مختلف تاکید نمود.

پس از ارائه گزارشها پلنوم به بحث و تبادل نظر حول آن پرداخت و فعالیتهای حزب در دوره بین دو پلنوم و راههای غلبه بر مشکلات و ضعفها و پیشرویهایی بیشتر در عرصه های مختلف را مورد بررسی قرار داد.

بررسی دو قطعنامه در مورد بحران اقتصادی جاری بورژوازی جهانی و اهمیت و جایگاه حزب و حزبیت در دستور پلنوم قرار داشت که هر دو قطعنامه بعد از بحث و تبادل نظر و برخی اصلاحات با توافق آرا به تصویب رسید. پلنوم همچنین بیانیه ای خطاب به مردم صادر کرد.

در جوار پلنوم سمیناری نیز در مورد سیاست حزب نسبت به مذهب برگزار شد که به شکل جامعی جنبه های مختلف سیاست حزب در قبال مذهب، هم بعنوان یک پدیده سیاسی

سی و یکمین پلنوم کمیته مرکزی حزب در روزهای ۲۸ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۰۸ (۸ تا ۱۰ آذر ۱۳۸۷) برگزار شد. در این پلنوم اکثریت اعضای کمیته مرکزی، مشاورین کمیته مرکزی و تعدادی از کادرهای حزب شرکت داشتند. پلنوم پس از سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت در گرامیداشت یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و منصور حکمت عزیز با سخنرانی افتتاحیه حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی کار خود را شروع کرد.

حمید تقوایی در سخنرانی خود به وضعیت بحرانی و درهم ریخته رژیم، پیشرویهایی حزب و بویژه گسترش رابطه حزب با مردم که به یمن تلویزیون کانال جدید ابعادی توده ای یافته است پرداخت و گفت در این شرایط حزب میتواند و باید بعنوان بدیل سیاسی و قدرت نماینده مردم در برابر جمهوری اسلامی عرض اندام کند. او بر این نکته تاکید کرد که حزب باید از فعالیتهای تبلیغی و سازماندهی تاکتونی خود فراتر برود و با اتکا به نفوذ و پایگاه توده ای اش در جامعه بعنوان یک نیروی سیاسی آلترناتیو حکومت، در مقابل رژیم بایستد و در عرصه های مختلف جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی کند.

پس از سخنرانی حمید تقوایی، اصغر کریمی رئیس هیات دبیران حزب گزارش همه جانبه ای از فعالیتهای حزب در فاصله بین دو پلنوم ارائه کرد. در این گزارش



WE STILL NEED **MARX**

TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran
www.wpiran.org

پیامهای متعددی از جمعهای کارگری در شهرهای مختلف، هم چنین اشخاص و سازمانها به مناسبت هفدهمین سالگرد تشکیل حزب رسیده بود که بخشی از آنها در شماره بعد به اطلاع خوانندگان خواهد رسید.

انترناسیونال

به حزب کمونیست
کارگری ایران
پیوندید

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

از صفحه ۱ قطعنامه در مورد جایگاه و اهمیت حزب

حزب مظهر و نماینده طبقه کارگر در مبارزه برای خلع ید سیاسی از بورژوازی و تجسم عملی شعار "کارگران جهان متحد شوید" در مبارزه بر سر قدرت سیاسی است.

۳- در شرایط حاضر سرنگونی جمهوری اسلامی و خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی در گرو تامین رهبری حزب کمونیست کارگری بر جنبشهای اعتراضی و جنبش سرنگونی طلبانه مردم است.

۴- بلون اتکا به حزب و گسترش سازمان حزب و شبکه های فعال حزبی در میان کارگران و توده مردم و در جنبشهای اعتراضی، تامین رهبری حزب در جامعه ممکن نیست. حضور مستقیم حزب در میان مردم یک پیش شرط مهم گسترش محبوبیت توده ای حزب بعنوان یک نیروی رهبر و توانا برای سرنگونی حکومت و ایجاد و پافرفتن تمایل و شور و اشتیاق عمومی برای پیوستن به سازمان حزب و کمپینهای حزبی است.

۷- حزب عامل اتحاد و همبستگی مردم است. اتحاد مردم در اعتراضات و مبارزاتشان برای سرنگونی جمهوری اسلامی تنها حول اهداف و سیاستهای وحدت بخش حزب، یعنی سیاستهای رادیکال و آزادیخواهانه و برابری طلبانه ای که انسان و انسانیت و حرمت انسانی را محور قرار میدهد ممکن است.

۸- حزبی میتواند رهبر باشد که بعنوان یک سازمان و نیروی سیاسی در جامعه و در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم محبوب و با نفوذ باشد. نه تنها برنامه و سیاستهای حزب، بلکه خود حزب و سازمان حزبی و شخصیت های علنی و شناخته شده حزب باید در نظر مردم به مظهر و تجسم آرمانهای انسانی و سوسیالیستی تبدیل شود و عضویت در حزب و تداعی شدن با حزب در میان مردم عزیز و محترم شمرده شود.

با توجه به نکات فوق پلنوم به جهت گیری و وظایف عمومی زیر تاکید میکند:

۱- تبلیغ و اشاعه ضرورت و مطلوبیت حزب و پیوستن به حزب بعنوان یک جزء دائم تبلیغات و آگاهگری حزبی. در کنار تبلیغ سیاستها و اهداف و شعارهای حزب، تاکید بر نفس حزبی و سازمانیافتن در حزب باید یک جزء تعطیل ناپذیر فعالیت تبلیغی حزب باشد.

۲- نقد و طرد حزب-پروسه به معنی تلقی از جذب به حزب و عضوگیری حزبی بعنوان یک نتیجه خودبخودی و اتوماتیک فعالیتهای حزبی، و یا بعنوان آخرین پله پروسه توضیح و تبلیغ و ترویج سوسیالیسم و سیاستهای حزبی. تبلیغ و اشاعه بلاواسطه ضرورت و مطلوبیت حزب و پیوستن به حزب باید یک جزء همیشگی تبلیغات و روشنگریهای حزبی باشد.

۳- سازماندهی شبکه ای از فعالین حزبی در محل کار و زندگی کارگران و توده های مردم و تامین حضور حزب در جامعه و در

جنبشهای اعتراضی و امکانسازی برای حزب در یک سطح گسترده از طریق این شبکه فعالین.

۴- تبلیغ حزب و سازمانیابی حزبی بعنوان راه عملی متحد و منسجم کردن اعتراضات و مبارزات مردم در شرایط حاضر و یک حلقه تعیین کننده در سرنگون کردن جمهوری اسلامی.

مطرح کردن حزب و فعالیت حزبی در پاسخ به سؤال چه باید کرد مردم. سازماندهی مردمی که از طریق تلویزیون و یا طرق دیگر با حزب تماس میگیرند در جهت پیشبرد فعالیتهای پایه ای حزب نظیر مطالعه ادبیات حزب و تکثیر و توزیع آنها، جمع آوری کمک مالی برای حزب، عملی کردن رهنمودهای مبارزاتی حزبی و غیره.

۵- تلاش برای شناخت و وسیعتر مردم از ضرورت و مطلوبیت حزب و مبارزه حزبی. یک هدف و نتیجه و حاصل دخالتگری و تاثیرگذاری حزب بر مبارزات کارگری و جنبشهای اعتراضی جاری باید

اشاعه وسیع مطلوبیت حزب و مبارزه حزبی و گسترش شبکه ای از فعالین حزبی در دل این مبارزات باشد. قبول و پیشبرد سیاستها و شعارهای معین تاکتیکی حزب بوسیله فعالین اعتراضات و جنبشهای جاری امری بسیار مهم و حیاتی است، اما بهیچوجه کافی نیست. نباید به مقبولیت تاکتیکی حزب در میان فعالین جنبشهای جاری بسنده کرد. فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی باید عرصه فعالیت خود را بعنوان جبهه مشخصی از یک جنگ سراسری و همه جانبه که حزب با کل بورژوازی به پیش میبرد ببینند و خود را متعلق به این مبارزه بدانند.

۶- تقویت حزبی و سنتهای فعالیت حزبی و مقابله با تقدیس فعالیت مستقل که بعنوان یک عارضه دیکتاتوری و ناکامیهای سازمانهای چپ در گذشته هنوز بر اذهان بخشی از فعالین و حتی در افکار عمومی جامعه سنگینی میکند. پاسخ اجتماعی ما به این

گرایش در یک سطح عمومی سیاستها و فعالیتها و پیشرویهای حزب کمونیست کارگری است اما مشخصا و بویژه در میان فعالین چپ "مستقل" باید صریحا این گرایش را نقد و طرد کرد.

۷- تاکید بر حزبی و تعلق و تعهد به حزب بعنوان یک رکن اصلی کادریت. تعلق و تعهد حزبی باید بعنوان یک معیار مهم در انتخاب کادر در نظر گرفته شود. عضو حزب میتواند بدلائل تاکتیکی و کمپینی به حزب جذب شود و با پذیرش شعارها و یا سیاستها و عرصه های معینی به حزب بپیوندد، ولی کادر حزب کسی است که هدف و امر سیاسی اش برانداختن سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم است و برای حزب و مبارزه حزبی جایگاهی همتراز آرمان سوسیالیسم قائل است. درک و شناخت این جایگاه و ضرورت و مطلوبیت استراتژیک حزب در مبارزه با کل نظام سرمایه داری جرئی از رشد اعضای حزب و یک پیش شرط ارتقای آنان به کادر است.

۸- تلاش بی وقفه و هرروزه برای جذب تعداد هرچه بیشتری از فعالین و رهبران عملی جنبش کارگری و رهبران سایر جنبش های اعتراضی حق طلبانه به حزب. شخصیت های شناخته شده حزب چه در سطح سراسری و چه محلی نقش مهمی در ملموس کردن حزب برای مردم، گسترش دامنه نفوذ حزب در میان مردم و بردن سیاست های حزب به درون مبارزات و جذب توده وسیعتری از کارگران و مردم به حزب دارند.

پلنوم بر انجام پیگیری و وظایف فوق بعنوان محور فعالیت حزب در جهت اتحاد و تقویت صف مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی، شکل دهی به یک جنبش انقلابی توده ای و تامین رهبری و سازماندهی انقلاب علیه جمهوری اسلامی تاکید میکند و از رهبری حزب میخواهد نقشه عملها و نتایج مشخص عملی این سیاست را مشخص کند و در دستور کار کمیته ها و ارگانهای مختلف حزب قرار دهد. *

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60 639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

سوسیالیسم

پا خیز!

برای

رفع تبعیض

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

از صفحه ۱ قطعنامه در مورد بحران جهانی بورژوازی

بیکارسازیهای وسیع و بیسابقه خود را نشان داده است. بحران رو به گسترش و تعمیق است و بی گمان عوارض و عواقب اقتصادی و اجتماعی آن در همه کشورها شدید تر خواهد شد و زندگی کارگران و توده مردم را بیش از پیش در چنگال خود خواهد فشرد. بحران حاضر تایید دیگری بر این حقیقت است که نفس وجود نظام کاپیتالیستی و نیاز پایه ای آن به سودآوری و انباشت با نفس زندگی و برخورداری توده مردم از یک زندگی انسانی در تناقض است.

۲- برای طبقه سرمایه دار بحران در ورشکستگی بخشی از سرمایه ها و بلعیده شدن آنها بوسیله سرمایه های بزرگتر خود را نشان میدهد. با اینهمه، طبقه سرمایه دار موقعیت اجتماعی و اقتصادی برتر خود را از دست نمیدهد و حتی سبک زندگی تجملی سرمایه دارن ورشکسته، به لطف قوانین حمایتی دولتی، تغییر چندانی نمیکند. اما در مقابل برای توده عظیم کارگران و مردم کارکنی که سهمی در مالکیت وسایل تولید ندارند بحران به معنی بیکاری و فقر بیشتر و فلاکت و بیخانمانی و بر باد رفتن زندگی ها است. بحران تناقض و تفاوت پایه ای و همیشگی در جامعه سرمایه داری بین فقر و بیحقوقی توده تولید کننده با ثروت بیکارگان صاحب سرمایه را تشدید میکند و عریان و آشکار در برابر چشم همگان قرار میدهد.

۳- یک ویژگی بحران جاری اینست که در دوره بعد از جنگ سرد، یعنی پس از شکست مدل سرمایه داری دولتی بلوک شرق و مطلق العنانی سرمایه داری بازار آزاد، رخ میدهد.

در این دوره همه احزاب و دولتها و متفکرین و صاحب نظران در کمپ بورژوازی به نئوکنسرواتیسم و مکتب شیکاگو به عنوان تنها مدل سیاسی - اقتصادی ممکن و مطلوب روی آوردند، موسسات مالی بین المللی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی سیاست ریاضت کشی اقتصادی و تشدید استثمار را به تمامی کشورها "توصیه" و در واقع دیکته کردند و خلع مسئولیت کامل دولتها در قبال

آمریکا هشدار میدهند، بر "اشتهااتشان" در دفاع بی قید و شرط از بازار آزاد اعتراف میکنند و حتی بعضی به این شک و تردید خودشکانه دچار میشوند که "شاید حق با مارکس بوده است"! اما راست از همه خود زندگی واقعی، تجربه فروپاشی وال استریت و ورشکستگی مکتب شیکاگو، با صدای بلند حقانیت نقد مارکسیستی سرمایه داری و ضرورت و مطلوبیت سوسیالیسم را اعلام میکنند.

۵- بحران اقتصادی و شکست دکترین مکتب شیکاگو تغییرات وسیعی را در سیاست و اقتصاد سرمایه داری جهانی بدنبال خواهد داشت. یکی از این پیامدهای بحران تضعیف هژمونی دولت آمریکا و تقویت نقش اروپای واحد، چین و روسیه در عرصه رقابتهای جهانی خواهد بود. همچنین با ورشکستگی کامل دکترین اقتصادی و سیاسی راست افراطی، در کمپ بورژوازی گرایشات چپ و مرکز میدان بیشتری پیدا میکنند. اما در عین حال و بخصوص تا آنجا که به مقابله با بحران اقتصادی مربوط میشود، تمایزات بین جناحهای چپ و راست بیش از پیش از میان میرود. گر چه رقابت میان کشورها و بلوکهای قدرتمند اقتصادی نظیر اروپای واحد و چین و ژاپن و آمریکا بالا میگیرد اما در مجموع جناحهای مختلف و دولتها و نهادهای بین المللی بورژوازی برای نجات سرمایه و از سر گذاردن بحران از طریق تحمیل بیکاری و فلاکت بیشتر به کارگران و توده مردم هماهنگ و یکپارچه عمل میکنند.

عواقب و عوارض بحران بورژوازی تنها در حوزه اقتصادی محدود نمی ماند. بورژوازی تلاش خواهد کرد تا یورش اقتصادی خود به طبقه کارگر را با توسل به ارتجاعی ترین نظرات و شیوه ها و سیاستها توجیه و تثبیت کند. تبلیغات و توجیهات عوامفریبانه مذهبی و ناسیونالیستی، تشدید سرکوبگری و اختناق بخصوص در کشورهای غیر صنعتی و عقب مانده، سلب حقوق مدنی و سیاسی مردم و بویژه طبقه کارگر، میلیتاریسم و تشدید خطر جنگ های منطقه ای و حتی جهانی، جهت

گیری عمومی دولتهای بورژوازی در این دوره خواهد بود. این شرایط اقتصادی و سیاسی زمینیه را برای رشد جنبش و اعتراضات توده ای، اعتراضاتی که بانک جهانی در مورد آن بعنوان خطر شورش گرسنگان در بیش از ۳۰ کشور جهان هشدار میدهد، بیش از پیش فراهم می آورد.

۶- اگر بحران حاضر با اعتراض و جنبش رادیکال کارگری و نقد سوسیالیستی وضع موجود پاسخ نگیرد، طبقه سرمایه دار خواهد توانست بحران را به قیمت تحمیل بیکاری و فلاکت و مشقت بیشتر به کارگران دنیا از سر بگذراند. از نقطه نظر اقتصادی بحران سرمایه شرایط حل خود را نیز به قیمت خانه خرابی بیشتر مردم فراهم می آورد و دقیقا به همین دلیل از نقطه نظر کارگران و اکثریت عظیم مردم کارکنی که نفعی در مالکیت و استثمار و سودآوری سرمایه داری ندارند راه حل بحران یک راه حل سیاسی است. آلترناتیو کارگران زیر رو کردن کل نظام سرمایه داری و خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار و تحقق سوسیالیسم است. جنبش کارگری جهانی تنها با این پرچم و افق میتواند در مقابل عوارض بحران یعنی بیکارسازیها و بیحقوقیها و تمامی مشقاتی که سرمایه دارها و دولتهاشان برای حل بحران به کارگران تحمیل می کنند بایستد، و اجازه ندهد بحران سرمایه داری از جیب طبقه کارگر حل شود. این راه واقعی و عملی حل بحران حاضر به نفع کارگران و توده مردمی است که نفعی در استثمار سرمایه داری ندارند.

۷- سردرگمی و بی افقی نظریه پردازان بورژوازی در یک مقیاس جهانی زمینیه را برای مطرح و توده گیر شدن نقد و تبیین مارکسیستی جهان سرمایه داری و پیشرویهای تئوریک و نظری کمونیسم کارگری فراهم می آورد. از سوی دیگر با گسترش اعتراضات کارگری و توده مردم در همه کشورها در مقابله با شرایط مشقت باری که بورژوازی به آنان تحمیل میکند زمینیه رشد رادیکالیسم و اعتراض به کل نظم موجود فراهم میشود. حزب تلاش خواهد کرد که بر متن این شرایط هم در سطح نظری و سیاسی و هم در دل اعتراضات و مبارزات جاری پرچمدار و اشاعه دهنده مارکسیسم و

نقد سوسیالیستی و انسانی کمونیسم کارگری به وضعیت موجود باشد.

۸- بحران اقتصاد جهانی به بحران سیاسی- اقتصادی که مدتهاست جمهوری اسلامی با آن دست بگریبان است دامن خواهد زد و آنرا به مراتب تشدید خواهد کرد. جمهوری اسلامی هیچگاه نتوانسته است شرایط با ثبات سیاسی و اقتصادی برای کارکرد سرمایه در ایران فراهم کند و بحران جاری آخرین تلاشهای رژیم در این زمینه را با تمام بر باد میدهد و حکومت را با یک بن بست کامل و لاعلاج اقتصادی مواجه میکند. اقتصاد جمهوری اسلامی اساسا از طریق اعتبارات بانکی و صادرات و واردات، بخصوص صادرات نفت، با بازار جهانی سرمایه مرتبط است و از همین کانال بحران جاری تاثیرات فوری و وسیعی بر اقتصاد جمهوری اسلامی خواهد داشت. معنی این وضعیت برای رژیم استیصال و درماندگی بیشتر و برای مردم گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت بمراتب شدید تر است. اما در عین حال به یمن وجود و نفوذ جنبش و حزب کمونیست کارگری شرایط سیاسی در ایران برای مقابله با این وضعیت و برای تحقق پاسخ طبقه کارگر به این بحران، یعنی خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی از دیگر کشورها مساعدتر و آماده تر است.

۹- جمهوری اسلامی یک نمونه بارز توحش و در عین حال درماندگی و بن بست بورژوازی جهانی و حزب کمونیست کارگری نماینده و مظهر اعتراض و نقد انسانی و سوسیالیستی طبقه کارگر به رژیم و نظم موجود است. امروز حزب کمونیسم کارگری به یک نیروی سیاسی مطرح و شناخته شده و محبوب در نزد بخش وسیعی از جامعه تبدیل شده است. این شرایط برای طبقه کارگر در ایران وضعیت مساعدی برای حل انسانی بحران سرمایه یعنی سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه، لغو کار مزدی و برپائی جمهوری سوسیالیستی فراهم کرده است. حزب با تمام قوا در این راه تلاش میکند. پیروزی سوسیالیسم در ایران توازن قوای جهانی را به نفع جنبش سوسیالیستی تغییر خواهد داد و مبارزه طبقه کارگر جهان علیه نظام سرمایه، با تمامی بحرانها و مصائب و مشقاتش، را یک گام عظیم به پیش خواهد برد.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلا بی بدل میشود!

سانسورچی یا جنایتکار؟ قتل های زنجیره ای و کانون نویسندگان



خلیل کیوان

آزادیخواه و چپ را تعطیل کرده است، آزادیهای مدنی مردم را نابود کرده است، چیزی جز تلطیف چهره جنایتکارانه رژیم تا حد سانسورچی نیست. بسنده کردن به اطلاق سانسورچی به یک رژیم فوق ارتجاعی و جنایتکار، جایز نیست. این رژیم را باید همانطور که هست معرفی کرد. قاتل!

سانسورچی نامیدن رژیم ندیدن مشقات يك کشور هفتاد میلیونی است که سی سال است همه چیزشان به گروگان گرفته شده است. اطلاق سانسورچی به رژیم به معنی تقلیل تقابل مردم در همه زمینه ها با رژیم، به مبارزه برای رفع سانسور است، خاک پاشیدن به سی سال مبارزه خونین و گسترده مردم و سازمانها و احزاب سیاسی و انقلابیون است، تقابل مردم با رژیم را به تقابل قشر روشنفکر و کانون ادبا و نویسندگان و هنرمندان با رژیم محدود کردن است.

شاید گفته شود محدودیت ها و معذورات حضور در داخل، کانون را مجاز میکنند لحن و بیان خود را متناسب با اوضاع تنظیم کند. شاید گفته شود کانون از دریچه مصالح صنفی خود به امر آزادی بیان نگاه کرده است. چنین نیست. فشارها محدودیت ها را سبب میشوند اما به قلب حقایق نباید بینجامند. سانسورچی نامیدن يك رژیم قاتل و تنزل مبارزات سی ساله مردم و سازمانها به تقابل ادبا و نویسندگان

با رژیم، يك نگرش و موضع سیاسی است که بارها شاهد بروز آن بوده ایم. پیشتر هم در دوره ای که قتلهای زنجیره ای بوقوع پیوست، همین بیانات را نزد کانون شاهد بودیم. این امری سابقه دار است. (۱)

(۱) ده سال پیش و همزمان با دستگیری فرج سرکوهی و مباحثاتی که در این خصوص جریان داشت، دفتر سیاسی وقت حزب کمونیست کارگری ایران اطلاعیه ای منتشر کرد که در سایت منصور حکمت قابل دسترسی است. خواندن آن را به خوانندگان توصیه میکنم.
<http://hekmatarchive.net/>

قتل های زنجیره ای را پنج سال در زندان نگه داشتند و نهایتا پرونده این جنایات را بستند.

اما قتل های زنجیره فراموش شدنی نیست. تنها پرونده جنایات رژیم هم نیست. قتل های زنجیره در حقیقت از ابتدای روی کار آمدن رژیم شروع شد و تا امروز هم ادامه دارد. نه فقط قتل های زنجیره ای ۷۷، بلکه همه قتل های زنجیره ای از بدو روی کار آمدن رژیم تا امروز در آرشيو جامعه حفظ شده است. این جنایات از جمله هدف گرفتن سینه کارگر معترض، خشونت سازمانیافته علیه زنان، لشکرکشی به گنبد و کردستان، اعدام های ده ها هزار نفره در سالهای ۶۰ و ۶۱، کشتار هزاران نفره در زندانها در تابستان ۶۷، گورهای بی نام و نشان و دسته جمعی خاوران، ترورهای خارج از کشور، سنگسارها و اجرای قوانین قصاص، گرو گرفتن دستمزد ناچیز کارگران و گرسنه نگه داشته کودکان کار و خیابان، تحقیر روزمره همه اهالی کشور، معتاد کردن میلیونها نفر از مردم و گسترش فقر و فحشا در جامعه و ده ها جنایات بزرگ و کوچک دیگر، در حافظه ها ضبط است. این رژیم دشمن شادی و رفاه و انسانیت است. دشمن آزادی

بیان است. قاتل مختاری و پوینده است. این رژیم قتل و جنایت است و باید به همین عنوان معرفی شود، اما کانون نویسندگان رژیم را سانسورچی مینامد! کانون نویسندگان در دهمین سالگرد قتل های زنجیره ای، ۱۳ آذر را روز مبارزه با سانسور اعلام میکنند و کانون نویسندگان خارج کشور هم از این فراخوان حمایت کرده است.

محدود کردن اعتراض به مبارزه علیه سانسور در مقابل رژیم که نسلی از انقلابیون کمونیست و آزادیخواه و مخالفین سیاسی خود را قتل عام کرده است، احزاب و سازمانهای سیاسی را منهدم کرده است، نشریات سوسیالیستی،

مقابل مردمی را نشان میداد که وسیعا به میدان سیاست آمده بودند. قتل های زنجیره ای شروع جنایات رژیم نبود اما، شروع آدمکشی بسبکی تازه بود. تفاوت این بود که قاتلین جرئت نکردند مسئولیت این جنایات را بعهده بگیرند. علت آنهم روشن بود. مردم وسیعا به صحنه سیاست کشیده شده بودند، شکاف در میان جانین ایجاد کرده بودند و صفوف رژیم را در هم ریخته بودند. قاتلین دریافته بودند که در این شرایط، روش های کهنه کشتار جوابگو نیست. رژیمی که پیشتر اعدام میکرد و اسامی اعدام شدگان را وقیحانه در مطبوعات بقصد ایجاد رعب اعلام میکرد، کارش بجای کشیده شد که مسئولیت قتل ها را بعهده نگیرد. اما، برای مردم روشن بود که قاتل خود رژیم است. از همان ابتدا انگشت اتهام بسوی رژیم کشیده شد.

عامرین و عاملین قتل ها قصد ارباب مردم را داشتند اما دیدند مردم جری تر شدند. سران رژیم وحشت زده نشستند، شور کردند و تلاش کردند راهی برای فرار پیدا کنند. بالاخره زیر فشار، کمیته رسیدگی به این جنایات را تشکیل دادند. سرکردگان دستجات کانگستر اسلامی، خامنه ای و رفسنجانی و خاتمی و کروی پشت درهای بسته توافق کردند که بشکلی از این مخمضه خلاص شوند و نظامشان را از خشم مردم بدر برند. بعید نیست بر سر این مساله یقه یکدیگر را هم نگرفته باشند و یکدیگر را نیز تهدید نکرده باشند، ولی سر آخر مصالحه کردند و راه های برملا شدن اطلاعات را سد کردند. سه نفر از اعضای وزارت اطلاعات را مسئول این قتل ها معرفی کردند و از این مهلکه بیرون جستند. همه سرخ ها را به سعید امامی وصل کردند و بعد هم در زندان، به او واجبی خوراندند و سر به نیستش کردند. دو نفر دیگر را چند سالی دور از چشم نگه داشتند و چه بسا در گوشه ای بخدمت نظام اسلامی شان گماردند. وکیل پرونده

هست؟ رژیم، مخالف خود را حذف فیزیکی میکند، بیانیه از حذف اندیشه سخن میگوید. بیانیه میگوید که جامعه و بیرویه نویسندگان و هنرمندان سالهاست با سانسور دست بگریبان اند! سالهاست؟ از ابتدای روی کار آمدن رژیم چنین نبود؟ و این تاکید که "بیرویه نویسندگان و هنرمندان با سانسور دست بگریبان اند، از چه روست؟ آیا چنین است؟ کشمکش بر سر مساله آزادی بیان تقابلی بین جامعه اهل ادب و رژیم است؟ این هم از سالها قبل و نه از بدو پا گرفتن رژیم! سازمانها و احزاب سیاسی آزادند؟ ابتدا انقلابیون و سازمانهای سیاسی را قلع و قمع نکردند؟ ده ها هزار نفر از مبارزین و کمونیست ها را از دم تیغ نگذراندند؟

جمهوری اسلامی بر مبنای يك سیاست آدمکشی علنی پا گرفت و از ابتدا ترور و قتل مخالفین از ارکان اصلی سیاست رژیم بوده است. سی سال است که ماشین جنایت رژیم يك دم از کار نیفتاده است. قتل های زنجیره ای در شرایط کاملا تازه ای از موازنه قدرت بین مردم و رژیم صورت گرفت. از اینرو، ویژگی های این دوره را بر خود داشت و وضعیت تازه ای که رژیم زیر فشار مردم در آن قرار گرفته بود را نیز ترسیم میکرد. این قتل ها نه فقط چهره قاتل رژیم را بلکه خصوصیات سیاسی يك دوره جدید را هم، بنمایش میگذاشت. وضعیت سراسیمه و دستپاچه رژیم در

ده سال از یکی از سلسه جنایات رژیم موسوم به قتل های زنجیره ای گذشت. پانیز ۷۷، شماری از مخالفین رژیم در فاصله کوتاهی بطرز فجیعی بقتل رسیدند. مختاری و پوینده از اعضای کانون نویسندگان از جمله قربانیان این جنایت شدند. از کانون نویسندگان در سالگرد قتل های زنجیره ای و قتل این دو، در تاریخ ۲۲ آبان امسال با صدور بیانیه ای، ۱۳ آذر را بعنوان روز مبارزه با سانسور اعلام کرد و کمیته ای برای مبارزه با سانسور تشکیل داد. در این بیانیه آمده است: "آزادی انشدیشه و بیان حق طبیعی هر انسانی است، زیرا به طور طبیعی هر انسانی می اندیشد و هیچ دلیل طبیعی نیز برای جلوگیری از بیان اندیشه او وجود ندارد. آن چه موجب سلب این حق از انسانی می شود، منافع نظام هایی است که برای تداوم خود در صدد حذف اندیشه مخالف برمی آیند..." و در ادامه این بیانیه آمده است: "اما وضع ایران از بیشتر کشورهای که در آن ها آزادی اندیشه و بیان سلب می شود، وخیمتر است. البته جامعه ایران و به ویژه نویسندگان و هنرمندان آن سال هاست که با پدیده سانسور دست به گریبان اند؛ اما ظرف دو سه سال اخیر این پدیده چنان دامنه گسترده ای یافته است که جز قلع و قمع فرهنگی نامی بر آن نمی توان نهاد..." بیانیه در اعتراض به قتل های زنجیره ای به سانسور اعتراض میکند! آیا حس تناسبی در این



اکبر گنجی و حزب دمکرات کردستان در انتهای یک مسیر!



مهرنوش موسوی

جلو مردم گرفتند. از سوی دیگر حزب دمکرات میدانند حتی برای زیر فشار قرار دادن خود غرب برای گرفتن امتیازات بیشتر در روز مبادا، میتوانند روی این "جبهه متحد" حساب کنند. فشار گذاشتن روی قرار داد امنیتی آمریکا در عراق جلوه دیگری از اثبات این واقعیت است. از سوی دیگر زمانی که جلال طالبانی قدرت را گرفت، هیچ یک از این نگرانیها را نداشت. نیمیست این تضمین را برای مقبول شدن در بارگاه غرب به آمریکا بدهد. حزب دمکرات برای شریک شدن در تصویر قدرت به شیوه طالبانی باید برای اثبات مقبولیت خود به غرب ثابت کند که میتواند جلو خطر چپ و کمونیسم در کردستان را سد کند. راهی که حزب دمکرات پیدا کرده است، همراهی با جریانات اسلامی میانه روست. همانها که حجابیان در مصاحبه اخیر با روزها در باره کردستان، آدرسشان را به حزب دمکرات داده است. گنجی بر خلاف حزب دمکرات به تجربه عراق از سر دیگری نگاه میکند. گنجی میدانند که در ایران، پروسه تغییر حکومت ولو اینکه از بالا صورت بگیرد، جایی به مذهب نخواهد داد. گنجی میدانند که الگوی حکومتی غرب در ایران نمیتواند الگوی حکومتیهای موزائیکی شریکی با اسلام در خاورمیانه باشد. مردم این حکومتی نوع کزای و مالکی / طالبانی را یک روزه به زیر خواهند کشید. لذا تمام تلاششان را متوجه این کرده اند که خودشان اول اسلام را مهار کنند، آخوند را با حفظ اموال مسروقه اش به پشت صحنه بفرستند، بساط امام زمان و چاه جمران را قبل از هجوم مردم به نحو آبرومندی جمع کنند و صحنه را برای ساخته و پرداخته شدن الگوی حکومتی غرب در فردای پنج کردن رژیم از بالا آماده کنند. پرو گزیهای درون حکومت با عقب زدن روحانیت تلاش میکنند آنها را برای قبول این واقعیت آماده کنند، گنجی با تعرض به ولایت و امامت در محیطهای

ظرفیتهایش برای بند و بست، میداند رفتنی است، رفع نگرانی کردن از غرب در مقابل خطر انقلاب کارگری و خیزش ضد اسلامی مردم ایران است. از قضا هم گنجی و هم حزب دمکرات فرض پایه تلاش خود را رفتن رژیم و لذا تدارک آن "نحوه رفتنی" قرار داده اند که جنبش اسلامی و ساختار حکومتی کمترین لطمه را در آن ببینند و کمونیسم جامعه ایران در این پروسه میداندار نشود!

آنچه تقلائی امروز گنجی را از دوران دوم خرداد در زمینه برخورد به اسلام و حکومت اسلامی متمایز میکند، یکم فرض قرار دادن این واقعیت است که نظام قابل اصلاح نیست و لذا رفتنی است. دوم اینکه معنی بلاواسطه عنصر ضد مذهبی نفرت مردم از حکومت، خطر چپ شدن تحولات آتی در پروسه پایین کشیدن نظام است. بنا بر این باید جلو این روند را سد کرد. راهی که گنجی این بار برای حفظ اسلام پیدا کرده است، حمله مستقیم به پایه های آن، زدودن جنبه های "غیر عقلانی" آن و پس راندن آن به حوزه عقاید شخصی و عرفانی در جوار حکومت آتی است، حکومتی که صرفا حاصل پروسه جابجا شدن ولایت فقیه و دست نخوردن ارکان آن است. وجه تشابه حرکت حزب دمکرات کردستان و تقلاهای نواندیشی گنجی در پاسخی است که به یک سؤال مشترک میدهند. این که چگونه باید جلو خطر چپ شدن پروسه افتادن نظام و لذا عروج جنبش ضد مذهبی در ایران را گرفت. حزب دمکرات به تجربه عراق نگاه میکند. همکاری و همدمی اسلام سیاسی و ناسیونالیسم کرد در عراق تا همین جا باعث عقب راندن خونین طبقه کارگر و چپ عراق شده است. ناسیونالیسم کرد در تپانی با اسلام سیاسی تلاش کرد جنبش حق زن، سکولاریسم و آزادیخواهی در عراق را در خون غوطه ور کند. حزب دمکرات روی تجربیات سیاه اتحادیه علمای اسلامی در عراق و تپانی آنها با اتحادیه میهنی و جنبش ناسیونالیستی کرد در این کشور برای جلوگیری از رشد چپگرایی حساب باز کرده است. همین چندی قبل لایحه تعدد زوجات را برای نشان دادن این تپانی سیاسی و جنبشی

خود محفوظ بدارد، آبشخور اصلی این جنبش ارتجاعی است که گنجی و حزب دمکرات هر دو در آن به انحاء مختلف دخیلند. از همین روست که از داریوش همایون و رضا پهلوی تا گنجی و مصطفی هجری به خط شده و به اشکال متنوع تلاش میکنند جلو نقد اسلام و مذهب، جلو عروج جنبش ضد اسلامی را در ایران در پروسه تغییر نظام بگیرند. میدانند که تحولات سیاسی آتی ایران، زمینه ساز لایروبی جامعه از اسلام سیاسی و مذهب خواهد بود. میدانند که ایران صحنه هجوم یک جنبش سیاسی علیه اسلام و مینای رنسانس ضد مذهبی در اوائل قرن بیست و یک خواهد بود. اگر در انقلاب اکبر جنبش علیه جنگ مکانیسم پرتاب سوسیالیسم کارگری به قدرت سیاسی بود، جنبش عظیم ضد اسلامی در ایران نه فقط کمونیسم کارگری را به قدرت سیاسی پرتاب خواهد کرد، بل با کنار زدن این هیولای سیاه ضد کمونیستی، سر آغاز ابراز وجود سیاسی طبقه کارگر در کل منطقه خاورمیانه خواهد شد. انقلاب کارگری آتی در ایران بلاواسطه انقلابی زنانه و انقلابی ضد مذهبی خواهد بود. لذا نگاه آپوزیسیون راست و تلاش کلیت احزاب بورژوازی در دوره اخیر روزه پایین است. به تلاش برای ممانعت از عروج چپ و کمونیسم در پروسه تحولات سیاسی آتی است. وجه اشتراک حرکت گنجی و حزب دمکرات نیز بر مینای این استراتژی استوار است. آنها در انقلاب ۵۷ با میدان آوردن اسلام سیاسی جلو این خطر را گرفتند، در سال ۸۷ با بیرون بردن اسلام از زیر دست و پای مردم به این امر مشغولند. یکی تصور میکنند که در کردستان، جنبش ناسیونالیسم کرد با مختصات فعلی اش از پس خطر جنبش ضد مذهبی و چپ در تحولات سیاسی آتی بر نمی آید. لذا روی ظرفیت ضد کمونیستی و ضد کارگری اسلام میانه رو سرمایه گذاری میکنند. یکی از طریق نقد حشو و زوائد اسلام و مذهب برای قابل تحمل کردن آن تلاش میکنند. علت ایجاد اتحادیه علمای اسلامی کردستان قبل از آنکه صرفا نشان دادن چراغ سبزه رژیم اسلامی باشد، که خود حزب دمکرات علیرغم

نجات اسلام میباشد. گنجی میگوید: پروژه اصلی "نواندیشان دینی" که خود وی را نیز در برمیگیرد عقلانی کردن وعادالانه کردن دین است. او میگوید که اصلا جدایی دین از دولت شرط لازم حفظ دیانت در ایران است! چرا که به باور گنجی هیچ کس به اندازه جمهوری اسلامی و روحانیون حاکم بر آن، به دین اسلام ضربه و صدمه وارد نیآورده است.

سؤال این است که این دو نمونه حرکت اخیر در قطب راست جامعه ایران علیرغم ظاهر متفاوتشان چه تشابهاتی دارند؟ حزب دمکرات و گنجی هر دو بدنبال تحقق چه هدفی هستند؟ چرا برخورد به مذهب اسلام در حرکت سیاسی آپوزیسیون ناسیونالیستی و راست تا این حد جایگاه ویژه یافته است؟

اولین دلیل تقلاهای کل آپوزیسیون راست، ترس آنها از وجود یک جنبش عظیم ضد مذهبی در ایران است. جنبشی که به پروسه سرنگونی نظام رنگ چپ میزند. جنبشی که اهرم قدرتیگیری کمونیسم کارگری در پروسه انداختن نظام است. آنها میدانند که ضدیت عمیق مردم با اسلام و حکومت اسلامی و تشابه امیالشان با افق و استراتژی کمونیسم کارگری خطر چپ شدن پروسه سرنگونی نظام را در ایران و منطقه بطور اژکتیو در مقابل غرب و کل بورژوازی قرار میدهد. در عین حال و همزمان میدانند که غرب هیچ گاه نباید از تکیه به ظرفیتهای ضد کمونیستی، ضد کارگری و ضد آزادیخواهان اسلام در منطقه و در سراسر جهان حتی در صورت تغییر رژیم از بالا دست بشوید. جنگ دو قطب تروریستی واقعی است. اما آنها میخواهند اسلام را به نحوی بزنند که از صحنه محو نشود. بماند، اما تحت کنترل غرب! آنها خواهان بقای نقش مذهب بعنوان نیروی کمکی در حفظ اقتدار بورژوازی در برابر طبقه کارگر، سوسیالیسم و کمونیسم کارگری در تحولات سیاسی آتی هستند. به قول حکمت بویژه تلاش برای تبدیل کردن اسلامیت و ملیت در ایران به پشتوانه ای برای ایجاد یک کاپیتالیسم بومی که حق استثمار کارگر و بهره برداری از منابع اقتصادی در ایران را برای

حزب دمکرات کردستان ایران طی اطلاعیه ای در تاریخ ۲۸ آبان ۸۷ تاسیس اتحادیه علمای دینی (اسلامی) کردستان ایران را به اطلاع رسانده است. آقای مصطفی هجری در مصاحبه ای منتشره در سایت حزب دمکرات در این باره میگوید که هدف این حزب، کمک به گسترش نفوذ اسلام انسانی مورد نظر این حزب بر علیه اسلام حکومتی و القاعده است. در اولین بیانیه منتشره از سوی این اتحادیه، از علمای مذهبی کرد خواسته شده تا در راستای خدمت به آرمانهای جنبش ملی کرد و مخالفت با سیاستهای جمهوری اسلامی با این اتحادیه همکاری نمایند. رژیم تشکیل این اتحادیه را در جهت ضربه زدن به نظام قلمداد کرده و لذا آنها را دستگیر و مورد بازجویی قرار داده است. اطلاعات رژیم تاسیس این اتحادیه را نقشه آمریکا و اسرائیل خوانده است.

اکبر گنجی برای تحقق همین هدفی که آقای هجری آن را با تشکیل اتحادیه ملیان کردستان دنبال میکند راه متفاوتتری را برگزیده است. راهی به ظاهر متفاوت اما با اهدافی مشابه. گنجی در هجده مقاله جدید به نام "قرآن محمدی" اعلام نموده که وجود امام زمان را انکار میکند. ایشان ادعا میکنند که قرآن نه وحی خدا توسط پیغمبر اسلام، آنگونه که "علمای اسلام" ادعا میکنند، بل نوشته زمینی خود محمد است که به اسم کلام خدا اعلام شده است. تاسیس اتحادیه اسلامی حزب دمکرات همانقدر در درون جنبش ناسیونالیستی کرد حساسیت ایجاد کرده است که کمپین اخیر گنجی در درون جنبش ملی / اسلامی! علمای فیضیه قم و سران حکومت، گنجی را مرتد و دوستانش از جمله خاتمی وی را به تندروی و خروج از دین و جنبش اصلاحات متهم میکنند. خود گنجی اما در مقابل حملات یاد شده میگوید که ایمان ایشان از همه محکمتر است. گنجی در مقابل فشار دوستانش که به وی هشدار داده اند صندلی نقد دین اشغال شده است و با این تندروها آب به آسیاب چپ جامعه ایران میریزد، رفع نگرانی کرده و میگوید که ایشان هدفش فی الواقع

آزادی بیان بدون مبارزه با اسلام سیاسی ممکن نیست

مصاحبه با افسانه وحدت در حاشیه کنفرانس کنفرانس در دفاع از آزادی بیان و در نقد اسلام سیاسی



کند. این شخص هنوز مدیر است. نهاد های زیادی از جمله "گودکان مقدم اند" از این شخص به نهادهای دولتی مربوطه شکایت کردند. باج دهی به نیروهای مرتجع اسلامی فقط سیاست دولت سوئد نیست. دول غرب در ضدیت با چپ، به دلیل رابطه اقتصادی حسنه شان با دول اسلامی و ترس از فتوا و تروریسم، حقوق بشر و آزادی بیان را به آسانی می فروشند. کوششی که سازمان ملل و وزرای اتحادیه اروپا در محدود کردن آزادی بیان و حقوق بشر تحت عنوان ممنوع کردن توهین به ادیان کردند در همین راستا بود.

انترناسیونال: استقبال مردم و رسانه ها از کنفرانس چگونه بود؟

افسانه وحدت: تعداد شرکت کنندگان قابل توجه بود. تعدادی بعد از برنامه ما را به ادامه مبارزه تشویق کردند و ابراز خوشحالی می کردند که سازمانی مثل اکس مسلم هست که مسائلی که دیگران جرات ابراز آن را ندارند در سطح جامعه مطرح می کند. ایمیل های زیادی از شرکت کنندگان دریافت کرده ایم که دوست داشتند عضو شوند و یا سوال داشتند. حقیقت این است که اکثریت مردم از دخالت مذهب در ارکان جامعه متنفرند. از آثار منفی چنین دخالتی تجربه تاریخی دارند و مدافع سکولاریسم هستند. در سوئد هم همه سازمان ما و جامعه روبرو شده. و پاسخ جامعه در اعتراض به این مسائل بیشتر از انتظار ما بوده که امیدوارم به نتایج خوبی هم برسد.

روزهای قبل از کنفرانس من ولارش ویلکس در رسانه های سراسری سوئد مصاحبه کردیم و در مورد این سمینار و اهداف اش گفتیم. همچنین آفیش این سمینار در سطح وسیعی در شهر استکهلم توزیع شده بود. در سمینار هم تعدادی از رسانه های مهم سوئد شرکت داشتند. حضور TT خبرگزاری رسمی سوئد، تلویزیون ۲۴ ساعته دولتی و چند روزنامه از جمله DN، داکترنی هتر و SVD سونسکا داگ بلات نشان از اهمیت این سمینار می داد. تقریباً تمامی روزنامه های کوچک و بزرگ محلی در مورد این سمینار نوشتند.*

کنفرانس تعدادی از افراد وابسته به سازمانهای اسلامی در محل کنفرانس تجمع کرده و در اعتراض به تقد ما از اسلام نماز خواندند. می خواستند جو ارباب و وحشت بوجود بیاورند و سمینار را به هم بزنند که موفق نشدند. ما حتی گفتیم که می توانند در وقت ستوال و جواب شرکت کنندگان صحبت کنند و حرفشان را بزنند ولی آنها فقط برای ایجاد رعب و وحشت آمدند. با شروع سخنرانی لارش ویلکس چند نفر از آنها حتی در داخل سالن قصد ایجاد تشنج را داشتند. با اخراج یکی از آنها بوسیله برگزار کنندگان، کنفرانس به کار خود ادامه داد.

دو نفر از چپ های ناسیونالیست از یک انجمن سوئدی که با اسلامی ها آمده بودند و همیشه سیاست های نسبیست فرهنگی شان آنها را در کنار حامیان اسلام سیاسی قرار داده هم سعی در به هم زدن جلسه را داشتند که خنثی شد.

اسلامیها در سوئد بیش از هر زمانی از چپ و راست سعی در گرفتن امتیاز دارند. این که توانستند به راحتی در یک کشور سکولار صاحب یک برنامه تلویزیونی شوند یک افتضاح سیاسی است. یکی از دختران جوانی که برنامه تلویزیونی حلال تی وی را اجرا می کند چند وقت پیش از همان تریبون تلویزیون دولتی و سراسری از سنگسار دفاع کرده بود. در این برنامه هم تبلیغ می کنند که حجاب خوب است و برابری زن و مرد در اروپا به زیاده روی دچار شده. تبلیغ می کنند که به جامعه مربوط نیست وقتی زن و مرد تصمیم می گیرند در خانه برابر نباشند. بعضی کارها مردانه است و برخی زنانه. یکی از امامان عقب مانده که مواضع ضد انسانی و به شدت ضد زنش بر هیچکس پوشیده نیست بزودی بهداری "زنان مسلمان" را دایر می کند. سال گذشته پیشنهاد داد که خانواده های مسلمان بایستی از قوانین شریعه تبعیت کنند و خواهان قانون مجزا برای خانواده های مهاجر شد که با اعتراضات وسیع روبرو شد و راه به جایی نبرد. مدیر مدرسه اسلامی چند وقت پیش در مصاحبه ای در روزنامه های سوئد گفته بود که زنانی را که خیانت می کنند بایستی سنگسار کرد و دست دزدان را برید و اینگونه مجازات ها جرائم را کم می

کنیم. دفاع سرسختانه ما از آزادی بیان و دعوت از لارش ویلکس که اجازه نمایش فیلم اش را در هیچ کجا می سوئد نداده بودند ویا در لحظات آخر، نمایش اش کنسل شده بود دیگر بر کسی پوشیده نیست. ما کاری کردیم و مسائلی را بیان کردیم که دیگران از بیان آن می ترسند.

سال گذشته هم چند ماهی از اعلام اکس مسلم در سوئد نگذشته بود که لارش ویلکس به دلیل آنکه کاریکاتور محمد را کشیده بود فتوای قتل اش صادر شد. ما او را به یک سمینار تحت همین عنوان دعوت کردیم که انعکاس وسیعی پیدا کرد و



تعداد قابل توجهی از مطبوعات سراسری و مهم در سوئد و دیگر کشور های اروپائی خبر را منعکس کردند که موفقیت زیادی بدست آورد. یکی از اهداف هر دو برنامه و همچنین فعالیت های اکس مسلم این است که اعلام می کنیم که آزادی بیان باید بدون قید و شرط باشد و هر کسی باید بتواند هر مذهبی را زیر ستوال ببرد و از هر دینی انتقاد کند. هر کسی باید بتواند هر جور کاریکاتوری از هر امام، پیغمبر قدیمی بکشد، هر رهبر مذهبی را به ریشخند بگیرد و به مزاح بکشد. می خواهیم ترس مردم را بریزیم، به آنها دل بدهیم که علیه یک ارتجاع جهانی که به دنیا خون می پاشد، با تهدید و فتوا می خواهد هر صدای اعتراضی را ساکت کند یا تمام قوا مقابله کنند. فکر می کنم کنفرانس در طول دو ساعت بحث و گفتگو در نقد اسلام سیاسی، کوشش آن در محدود کردن آزادی بیان در اروپا و فتوای قتل علیه روشنفکران و منتقدین اسلام و چگونگی راههای مقابله با این جنبش، به هدفش رسید.

انترناسیونال: اسلامیهها چه واکنشی نشان دادند؟ موقعیت اسلامیهها الان در سوئد چگونه است؟

افسانه وحدت: ساعاتی قبل از شروع

کردن نیروهای ناقض آن غیر ممکن است. یکی از موانع آزادی بیان در دنیای امروز وجود جریانات و جنبشهای ارتجاعی اسلامی است. اگر در دوران رنساس کلیسا موانع اصلی پیشرفت جامعه بود و باید کنار زده میشد، امروز یکی از موانع اصلی آزادی بیان اسلام سیاسی است. بدون نقد و حاشیه ای کردن این جنبش تضمین آزادی بیان ممکن نیست. اما در عین حال باید ما در اروپا در دو جبهه بجنگیم. هم علیه اسلامیها و هم علیه جریانات راسیست و فاشیست. زیرا فاشیسم اسلامی و فاشیسم اروپایی علیه آزادی بیان و

حقوق مردم عملاً در یک جبهه قرار دارند. لارش ویلکس از جمله گفت تاکید من برای نقد اسلام و اسلام سیاسی این است که بسیاری از منتقدین و روشنفکران نمیخواهند و یا میترسند این مذهب و نقش مخرب آنرا نقد کنند. توجه جامعه به من از اینجا ناشی میشود. اگر منتقدین و روشنفکران زیادی پا به این میدان میگذارند حتماً فضا طور دیگری بود.

انترناسیونال: هدف از برگزاری این کنفرانس چه بود و آیا به این اهداف رسیدید؟

افسانه وحدت: در سوئد جدال وسیعی بین نیروهای سکولار و انساندوست از یک سو و سازمانهای مرتجع اسلامی که سعی دارند در همه جا ریشه بدهند از سوی دیگر جریان دارد. اسلامگرایان به شدت در صدد بسط و گسترش مراکز اسلامی و جاری کردن اسلام در زندگی روزمره خانواده های مهاجرین هستند. دولت هم که مرتب دست نوازش به سرشان می کشد و خیلی راحت به آنها باج می دهد. ما سعی مان بر این است که افکار عمومی را به این امر جلب کنیم و علیه اسلامیزه کردن زندگی مهاجرین آنها را با این جنبش اعتراضی همراه

انترناسیونال: قبل از هر چیز توضیح مختصری از این کنفرانس بدهید. پائلیستیا چه کسانی بودند؟

افسانه وحدت: این کنفرانس در دفاع از آزادی بیان و علیه اسلام سیاسی برگزار شد و موفقیت بزرگی بدست آورد. مباحثات روزمره دولت سوئد با اسلام سیاسی، طرح ارتجاعی آموزش آخوند سوئدی، برنامه "حلال تی وی" و دهها آوانس و باج های دیگر پوششگری کردن خطاب به مردم و جلب افکار عمومی را هر چه ضروری تر در دستور کار ما قرار داده. این کنفرانس هم در همین راستا بود. کنفرانس با نمایش فیلم Dog

موزیکال کمیدی از لارش ویلکس شروع شد که به مدت ۲ ساعت ادامه داشت. این فیلم نقدی بود به خدا و مذهب بخصوص مذهب اسلام که به صورت طنز ساخته شده بود و با استقبال حاضرین روبرو شد. بعد از نمایش فیلم پانل بحث و گفتگو با حضور شخصیت های معروف و فعال علیه اسلام سیاسی، مینا احدی، مریم نمازی و همچنین مسئول اومانیهستهای استکهلم اینگوار اومن اکلد، ربکا هی بینت، جنس گانمن و لارش ویلکس آغاز شد. گردانندگان این پانل من و الیس ولتر بودیم.

مریم نمازی ضمن سخنانش اعلام کرد که آزادی بیان مطلق است و تحت هیچ شرایطی و به هیچ بهانه ای نباید محدود شود. آزادی بیان بدون اجازه نقد مذهب بی معنی میشود. پانل بحث و گفتگورا من و الیس ولتر افتتاح کردیم. او پائلیست ها را معرفی کرد و من در صحبت افتتاحیه کوتاهی در دفاع از آزادی بیان از جمله تاکید کردم که نباید در مقابل اسلامیهست ها کوتاه آمد باید با قاطعیت تمام جریانات مرتجع اسلامی را به عقب راند و آزادی بیان نباید قربانی مصالح دولتها و جریانات مرتجع اسلامی بشود. و در ادامه گفتیم که باید با شجاعت و قدرت در مقابل تعرض به آزادی بیان ایستاد.

اینگوار اومن مسئول اومانیهستهای استکهلم در بخشی از سخنانش گفت آزادی بیان یعنی آزادی نقد و به مزاح کشیدن مذهب و بدون این حق عملاً آزادی بیان قربانی میشود.

مینا احدی اعلام کرد دفاع از آزادی بیان بدون مبارزه و حاشیه ای

به مناسبت هفدهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری

گفتگو با اعضای دفتر سیاسی

بخش سوم و پایانی

انترناسیونال: افکار عمومی بین المللی نسبت به ایران و مبارزات مردم ایران نسبت به ۱۷ سال قبل چه تغییری کرده است؟ مشخصاً توضیح دهید که نگاه جنبش کارگری در سطح جهان نسبت به جامعه ایران و اوضاع سیاسی این جامعه و جنبش کارگری در ایران چه تغییراتی کرده است و حزب کمونیست کارگری چه نقشی در این رابطه داشته است؟

بهرام سروش: ۱۷ سال پیش تصویر افکار عمومی در غرب از جامعه ایران اساساً تحت تاثیر روایتی بود که مدیای غرب از جامعه ایران بدست می داد: یک جامعه اسلامی با مردمی که ظاهراً باختیار خود قوانین اسلامی و سرکوب اسلامی را پذیرفته اند. افکار عمومی خارج از ایران تا حدودی از کشتارها و جنایات رژیم باخبر بود، ولی تصور دقیقی از اینکه مردم آن جامعه، علیرغم کشتار و سرکوب قرون وسطائی، هیچگاه جمهوری اسلامی را بعنوان حکومت "متعارف" و ذیصلاح آن کشور نپذیرفته اند، نداشت. در آن دوره، سیاست دول غرب، بدرجه ای شبیه سیاست کنونی، با تفاوت هایی بین آمریکا و اروپا، تلاش برای رام کردن جمهوری اسلامی در چهارچوب سیاست خارجی غرب، در عین کنار آمدن و داشتن روابط عادی با آن بود. یعنی، کشتار و سرکوب برای کمونیست ها و آزادیخواهان و عدم مزاحمت برای غرب، در عین حفظ حد معینی از روابط دیپلماتیک و تجاری با آن، به این امید که بالاخره روزی حکومت اسلامی جایش را به یک حکومت مستبد طرفدار غرب بدهد (مانند حکومت شاه). این سیاست دول غربی در عین حال شکل دهنده خط حاکم بر مدیای رسمی غرب بود.

۱۷ سال پس از آن زمان، ما اکنون با وضعیت کاملاً متفاوتی روبرو هستیم. مردم جهان در سطح بسیار وسیعی با واقعیات جامعه ایران آشنا شده اند؛ جمهوری اسلامی را بعنوان دولت يك مشت آدمکش و جانی می شناسند؛ جنایات روزمره آن را دیده اند و می بینند؛ از بی حقوقی زن، کارگر و دیگر اقشار

محروم خبر دارند؛ در عین حال، از مبارزات روزمره مردم عیله حکومت با خبرند، و شکاف و تفاوت عظیم بین مردم و انتظارات آنها از يك زندگی انسانی، از یکطرف، و حکومت اسلامی، از طرف دیگر، را می بینند. ذهنیت غربی جایگاه زیادی برای آنچه در ایران می گذرد قائل است و تاثیرات تحولات آن جامعه را برای خود بدرستی تشخیص می دهد. از اینرو اوضاع سیاسی ایران را بدقت دنبال می کند و به مسائل آن جامعه حساس است و عکس العمل نشان می دهد. افکار عمومی بین المللی امروز دیگر می داند که مردم در ایران نه تنها جمهوری اسلامی را نمی خواهند بلکه بطور گسترده ای وارد مبارزه برای کنار زدن آن شده اند. خصلت پیشرو و آزادیخواهانه مبارزات مردم در ایران تا حد زیادی برای مردم در غرب شناخته شده است. در این میان، اما، چشمگیرترین تغییر، ارتباطی است که بویژه طی سالهای اخیر بین جنبش کارگری جهانی و جنبش کارگری در ایران بوجود آمده است.

بنظر من این شاید در تاریخ همبستگی بین المللی کارگری کاملاً استثنائی باشد که تنها در عرض چند سال گذشته سازمانهای کارگری جهان چندین روز جهانی همبستگی با کارگران ایران ترتیب داده اند، که آخرین آن هفته دفاع از کارگران ایران از طرف فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (آی تی اف) در ماه اکتبر امسال بود (بمناسبت هفته کارگران بخش حمل و نقل جاده ای). امروز جنبش کارگری جهان در سطح وسیعی از مبارزات کارگران در ایران مطلع است و تلاش های زیادی در حمایت از این مبارزات بعمل آورده است، که در موارد بسیاری هم موفقیت آمیز بوده است. امروز اسامی و تصاویر فعالین کارگری ایران، مانند منصور اسانلو، محمود صالحی، جوانمیر مرادی و لیست وسیعی از رهبران کارگری، اسامی و چهره های شناخته شده ای در میان کارگران و فعالین کارگری جهان است.

و بالاخره باید به تغییری که طی این سالها در ذهنیت بخش مهمی از الیت سیاسی و فکری پیشرو و فعالین جنبش های سکولار و زنان در اروپا و آمریکا در جریان مبارزه با اسلام سیاسی و سیاست های پست مدرنیستی صورت گرفته است اشاره کرد. در این مدت بسیاری از مفاهیم انتقادی و ایده های کمونیسم کارگری در دفاع بی قید و شرط از حقوق انسان وارد زبان سیاسی و باصطلاح گفتمان این جنبش ها در غرب شد. مفاهیم و خواست هایی مانند جهانشمول بودن حقوق انسان و نقد نسبیت فرهنگی و "مالتی کالچرالیسم"، اینکه کودک مذهب ندارد، مبارزه علیه حجاب کودک بعنوان کودک آزاری، خواست جداسازی مذهب از محیط های علمی و آموزشی، مبارزه علیه دادگاه های شریعه و هر نوع دادگاه مذهبی، دفاع از حق بی قید و شرط انتقاد به مذهب و آزادی بیان، خواست لغو حکم اعدام بعنوان قتل عمد دولتی، و غیره. شخصیت های حزب کمونیست کارگری، مانند مینا احدی و مریم نمازی، اکنون جزو مبتکرین، جهت دهندگان و رهبران شناخته شده کمپین ها و جنبش های دفاع از حقوق انسانی در سطح جهان هستند.

تمام اینها بدون تلاش ها و کمپین های حزب کمونیست کارگری ایران در خارج کشور ممکن نبود. جلب همبستگی بین المللی از مبارزات کارگران شرکت نفت در سال ۹۶، به شکست کشاندن کنفرانس برلین و به محاکمه کشیدن جمهوری اسلامی در کنفرانس سازمان جهانی کار، تنها نمونه هایی از کارزار گسترده حزب کمونیست کارگری علیه جمهوری اسلامی طی این سالها بوده است. تشکیلات خارج کشور حزب یکی از اهداف اصلی خود را منزوی کردن کامل جمهوری اسلامی در سطح بین المللی قرار داده است، طوری که مردم جهان به نمایندگان و دیپلمات های آن بعنوان قاتل و جانی بنگرند؛ طوری که سران جمهوری اسلامی جرات و اجازه شرکت در نهاد های بین المللی را

نداشته باشند؛ طوری که هر دولت، نهاد و فردی که بنحوی با جمهوری اسلامی نشست و برخاست داشته در انتظار عمومی احساس شرم و ننگ کند و بخواهد آن را پنهان سازد. در مورد آفریقای جنوبی زمان آپارتاید نژادی چنین بود. در مورد رژیم جمهوری اسلامی، که پرونده بمراتب قظورتی از جنایت، وحشی گری و ارتجاع دارد، نیز می رود چنین شود.

انترناسیونال: حزب کمونیست کارگری ایران برای يك انقلاب سوسیالیستی در ایران مبارزه میکند. روشن است که سرنگونی حکومت اسلامی ایران قدم اول برای رسیدن به چنین هدفی است. از آنجائیکه جمهوری اسلامی یکی از مهمترین عوامل تداوم وضعیت موجود در عراق است، سرنگونی جمهوری اسلامی توسط این حزب و پیروزی يك انقلاب سوسیالیستی در ایران، چگونه میتواند موقعیت سیاسی در عراق را تحت تاثیر قرار دهد؟

عماد شگری: از هنگام ساقط کردن رژیم صدام از قدرت توسط دولت آمریکا در آوریل ۲۰۰۳، رژیم اسلامی به طور گسترده از گانگسترها و باندهای اسلام سیاسی در عراق حمایت کرده است. به طور اصلی باند مقتدا صدر، جیش القدس، سپاه بدر، باند القائده، و سایر گروههای اسلامی مورد حمایت رژیم اسلامی بوده است. به خاطر دخالت رژیم اسلامی و ادامه اشغال توسط آمریکا، وضعیت عراق از تبدیل شده به حالت عادی بسیار دور است.

از طرف دیگر، صحنه سیاسی داخل ایران بسیار متفاوت است. حزب کمونیست کارگری حمایت میلیونها مردم در ایران را جذب میکند. مردم ایران مبارزات خود علیه رژیم را گسترش میدهند. سطح مخالفت و خشم و نفرت علیه این رژیم وحشی آنچنان گسترش پیدا کرده است که برای حل این بحران هیچ راهی در چهارچوب وضع موجود ممکن نیست. بحران کنونی باید حل شود. حزب کمونیست کارگری ایران، تنها نیروی سیاسی است که ظرفیت پایان دادن به این

بحران سیاسی کنونی در ایران به نفع همه جامعه را دارد. حزب به نقطه امید مردم در ایران تبدیل شده است. مردم در سطحی گسترده منتظرند ببینند که حزب در باره اوضاع چه میگوید. مردم بسرعت حول حزب جمع میشوند. نفوذ روز افزون حزب، شرایط را برای رهبری قیام آتی مردم ایران توسط حزب را فراهم میکند.

مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و طبقه حاکم در ایران، تاثیرات مهمی در شرایط خاورمیانه و حتی جهان خواهد داشت. مخصوصاً، اوضاع عراق مستقیماً تحت تاثیر قرار خواهد گرفت چون جمهوری اسلامی مستقیماً در اوضاع کنونی عراق دخالت دارد. با سرنگونی حکومت اسلامی توسط مردم ایران به رهبری حزب، جنبش اسلامی در خاورمیانه خود را در شرایط بدی پیدا خواهد کرد. رژیم اسلامی قطب جهانی ارتجاع و تروریسم اسلامی و عقب ماندگی است. با سرنگونی

رژیم اسلامی، گانگهای اسلامی مورد حمایت این رژیم، مانند حماس و حزب الله و مقتدا صدر و القائده و سایر باندهای اسلامی ناگهان فروخواهند ریخت. نه فقط به این خاطر که حمایت مادی و نظامی دولت اسلامی را از دست خواهند داد بلکه همچنین به این خاطر که با رفتن این رژیم سوخت ایدئولوژیک این باندها ته خواهد کشید. بنا به این دلایل، سرنگونی جمهوری اسلامی به موقعیت کنونی جنبش اسلامی در خاورمیانه و عراق نقطه پایانی خواهد گذاشت. می توان تصور کرد که با يك دولت سوسیالیستی در تهران به جای يك دولت اسلامی اوضاع چگونه خواهد بود.

مبارزه حزب کمونیست کارگری هر روز گسترده تر و موثرتر پیش میرود. این مبارزه نه تنها به مردم ایران بلکه به مردم عراق هم امید میدهد. پیروزی حزب در ایران به حاشیه ای شدن جنبش اسلامی و شکست آن در عراق منجر خواهد شد. عراق و خاورمیانه در آستانه يك دوره جدید خواهند بود. با پیروزی

از صفحه ۶

اکبر گنجی و ...

روشنفکری ملی/اسلامیها و ملحق کردن نیروی این جنبش به راست پرو غرب، این هدف را دنبال میکند. ایشان در زمان دوم خرداد ادعا کرد که جریان اصلاحات فی الواقع ایجاد زمین لرزه دو ریشتری برای جلوگیری از زمین لرزه هشت ریشتری بود. امروز انکار امام زمان و قرآن به مثابه وحی خدا این نقش دو ریشتری را ایفا میکند. اگر علی شریعتی قبل از انقلاب ۵۷ به تعرض به "تشیع غیر سرخ"، زمینه ساز عروج خمینی و اسلام به عنوان مدعی قدرت سیاسی در محیطهای روشنفکری مسموم آن دوران شد، گنجی با انکار امام زمان، ولایت و امامت قبل از خیزش مردم ایران برای به زیر کشیدن نظام میخواهد مسیر عکس را بپیماید. گنجی میدانند که تاریخ مصرف اسلام در حکومت به پایان رسیده است. میدانند که تحقق آترناتیو آمریکا و غرب با زدن شاخه های غیر قابل سازش اسلام، با بیرون راندن آن از قله قدرت سیاسی و در عین حال چوب دستی گذاشتن زیر بغل اسلام برای روز مبادا میسر است. گنجی میدانند که الان وقت آن رسیده که دین اسلام به حوزه و مسجد برگردد تا مسیر تجدید سازمان کاپیتالیستی جامعه ایران با پیروزی غرب در جنگ تروریستها هموار شود. اینها سرخطهای اصلی تلاشهای به ظاهر متفاوت این جریانات در برخورد به اسلام و حکومت میباشد!

این تلاشها محکوم به شکستند.

ما عمق ارتجاعی این تحركات سیاسی را افشا میکنیم. وجود حزب کمونیست کارگری عامل رشد جنبش ضد مذهبی در ایران است. این جنبشی است که سازش حزب توده با اسلام و "الهیات رهایی بخش" باعث خاموش شدنش شد. این جنبشی است که با وجودیکه بوسیله علی دشتیها و صادق هدایتهاش خیز برداشته بود، چپ اردوگاهی آن را به سکوت کشاند. منصور حکمت این جنبش را با میلیتانتیسم ضد مذهبی و رادیکالیسم سیاسی خود بر علیه حاکمیت، با کمونیسم مدرن، غربگرا، انسانگرا و تحول طلب، دوباره به صحنه فراخواند. تشابه امیال سیاسی توده های مردم و این جنبش با منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری باعث شده که این حزب به رهبر جنبش ضد اسلام در ایران بدل شود. جنبشی که خود هم محصول فتح شدن محیطهای روشنفکری ایران توسط کمونیسم کارگری است و هم مبنای پرتاب کردن ما به قدرت سیاسی و تمام کردن کاری است که از قبل از انقلاب مشروطیت تا به حال جامعه در تمنای تحقق آن میسوزد!

نه گنجی، نه رضا پهلوی و داریوش همایون، نه حزب دمکرات و ناسیونالیسم کرد نمیتوانند جلو این روند را بگیرد. ما با تلاش فعال خود این را تضمین میکنیم. ما ضمانت میکنیم که این نظام به اسم و افاق چپ بیفتند!*

از صفحه ۸

گفتگو با اعضای دفتر سیاسی

حزب در ایران، يك جامعه انسانی و برابر و آزاد مستقر خواهد شد. حزب کمونیست کارگری چپ عراق شرایط مناسبتری برای تبدیل شدن به يك جنبش سیاسی اصلی و بانفوذ پیدا خواهد کرد. پیروزی حزب کمونیست کارگری ایران علیه رژیم بربریت اسلامی در ایران یعنی آغاز جدی رهایی بیش از ۳۰ میلیون انسان در عراق و بسیار بیشتر از این در خاورمیانه. این اتفاق همچنین؛ به میلیاردها انسان در جهان امید تغییر به ارمان خواهد آورد.

انترناسیونال: روشن است که طبقه کارگر به مثابه تنها طبقه ای که میتواند با رهایی خود کل جامعه را رها کند برای حزب نقش و جایگاه ویژه ای دارد. حزب مظهر نقد این طبقه به جامعه سرمایه داری است. با توجه به این اصل پایه ای، نقش و جایگاه حزب در جنبش کارگری را علی العموم و این نقش و جایگاه را مشخصا در مقطع فعلی و نسبت به مقطع تشکیل حزب چگونه ارزیابی میکنید؟

سیامک بهاری: یکی از مهمترین اتفاقات سیاسی در جنبش کارگری و تاریخ معاصر ایران، تشکیل حزب کمونیست کارگری است. خصلت سوسیالیستی بخشیدن به جنبش کارگری و مبارزات جاری مردم تحت ستم در ایران و حتی منطقه و برافراشتن پرچم سوسیالیسم همین امروز، کارگر و توده محروم معترض را به عرصه دخالت در جدالهای اجتماعی تعیین کننده و سرنوشت ساز وارد کرد.

در انقلاب ۵۷ کارگران با نیروی وسیعی بمیدان آمدند، قدرت سیاسی بزرگ و قابل توجهی هم از خود نشان دادند، برای نمونه کارگران صنعت نفت سرنوشتی رژیم پهلوی را قطعی کردند. اما پیروز نشدند، چیزی هم از آن حضور قدرتمند نصیب کارگر نشد. به این دلیل اساسی و بسیار مهم که کارگر معترض حزب خود را نداشت، برنامه و مطالبات پایه ای برای اداره جامعه در دستور کارش نبود! اصلا برای خود کارگرانی که آن مبارزه پرشور را پیش میبردند مشخص نبود که طبقه کارگر پیروز چه پدیده اجتماعی معینی است. حتی نفوذ وسیع اتکا به شورا هم

نتوانست بدون حزب همان سنن شورایی را پابرجا نگهدارد. به بیان دیگر آزادی، برابری و حکومت کارگری مطالبه آن جنبش و مبارزات کارگری نبود! بدست گرفتن سکان قدرت سیاسی و خلع ید سیاسی از سرمایه داری حاکم پرچم آن مبارزه نبود. این پرچم را، کمونیسم کارگری منصور حکمت با تشکیل حزب در میدان مبارزه سیاسی برافراشت.

يك وجه مهم و پراهمیت جدال سیاسی با چپ سنتی در صحنه جامعه و در جنبش کارگری بود. يك از مشخصات این چپ حزب گریزی و محدود نگهداشتن اعتراض کارگر در حیطه مبارزات صنفی و نهایتا تلاش برای افزایش دستمزدها و چانه زنی برای چگونگی فروش نیروی کار بود. و همین را هم میخواست بدور از مبارزه حزبی و سیاسی و اجتماعی پیش ببرد. کارگر، کارگر از دهنش نمی افتاد اما در عالم سیاست قرار نبود طبقه کارگر با اتحادش و تشکلهای برای تغییرات بنیادی و کسب قدرت سیاسی و رهایی کل جامعه حرفی بزند و جایی پیدا کند. حزبی برای کسب قدرت سیاسی داشته باشد. برای سرنوشت جمهوری اسلامی با پرچم تحقق يك دنیای بهتر به میدان بیاید، مبارزه برای آزادی بی قید و شرط سیاسی، برای آزادی زن، برای لغو حجاب، برای دفاع از حقوق کودک، دفاع از برابری جنسی و دور کردن مذهب در زندگی آحاد جامعه را در دستور خود بگذارد.

مبارزه همه جانبه و بی امان کمونیسم کارگری با سنتهای رایج و غیر کمونیستی، جنبش کارگری را از زیر آوار تحریف جنبش ملی و دفاع از میهن و الهیات رهایی بخش بیرون آورد. کمونیسم کارگری، پنبه این ریاکاری و فریبکاری طبقاتی را زد! اساس سوسیالیسم انسان است را بعنوان بدیل و راهی برای رهایی کل جامعه مطرح کرد. امروز این کارگر سوسیالیست است که دارد آگاهانه بر روی اقشار دیگر در جامعه تاثیر میگذارد و اعتبار و وجه اجتماعی کسب میکند و "منزلت، معیشت حق مسلم ماست"، رنگ خود را به مبارزات جاری توده مردم میزند!

يك وجه مهم و تعیین کننده

جایگاه و اعتبار حزب کمونیست کارگری دقیقا حاصل مبارزه عظیم برای تغییر معیارهای سیاسی در جنبش کارگری و درکل مبارزه اجتماعی است. این را نمی گویم چون حزب کمونیست کارگری حزب ماست و خیلی دوستش داریم. بلکه بصورت واقعی کارگر و مردم محروم در میدان مبارزه، در اعتراض و زندگی روزمره وقتی به حزب خودشان نزدیک میشوند که مطالبات حزب را از جنس و نوع خودشان ببینند. این تحول در فکر و عمل روزمره کارگران یعنی تحزب و پیوستن به حزب نشانه آگاهی و درک سیاسی عمیقی است و این روند دارد جای خود را هر روز بیشتر از پیش باز میکند. اعتماد و رجوع به حزب، دادخواهی از حزب هر روز بیشتر و بیشتر عیان و آشکار میشود. حزبی شدن برای کارگران و مردمی که تشنه رفاه و سعادتند و می خواهند با تلاش آگاهانه خود کاری بکنند، اقدامی بکنند، جمهوری اسلامی را به زیر بکشند، دارد به يك اصل تبدیل میشود.

مهمترین ویژگی دوران ما، انقلابی است که در راه است و میروند تا سوسیالیسم و مطالبات انسانی را در ایران برپا کند. طبقه کارگر و توده مردم محرومی که برای سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی روز شماری میکنند، حزبی دارند که قابل دسترس است، میتوانند به آن بپیوندند، بیست و چهار ساعته صدای عدالت خواهی اش را بشنوند، قدرتش را ببینند، رهبریش را بشناسند و بپذیرند، قابلیتهاش را لمس کنند. نیروی عظیم اعتراضی جامعه هر روز بیشتر به وجود این نقطه اتکا پی میبرد. این هم برای حزب کمونیست کارگری و هم مردم معترض و جان به لب آمده يك ویژگی جدید است. امروز حزب کمونیست کارگری، حزب انقلاب است. این خصلت ویژه و منحصر بفرد حزب ماست! ما و همه آنها که برای این انقلاب صفوف حزب را فشرده کرده ایم از همین منظر به گذشته و تاریخ پر فراز و نشیب حزبمان نگاه میکنیم و تمامی راه طی شده را در همین راستا میبینیم. بدون حزب کمونیست کارگری يك دنیای بهتر غیرقابل تحقق است!*

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

گزارشی از مراسم هفدهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست کارگری ایران در شهر کلن آلمان

روز شنبه ۲۹ نوامبر (۹ آذرماه) به مناسبت هفدهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران مراسم با شکوهی در شهر کلن آلمان برگزار گردید. ابتدا گروه موزیک تپش ۲۰۱۲ با اجرای چند ترانه شاد و زیبا توجه شرکت کنندگان را به خود جلب کردند. سپس مراسم با خوشامدگویی مجری برنامه، سیما بهاری و تبریک و خوشامدگویی مریم نمازی به زبان انگلیسی آغاز شد. سخنرانی، پیام، موزیک زنده، ترانه سرایی و شعر و نمایش از جمله برنامه های این مراسم بود.

مراسم سالگرد حزب در شرایطی برگزار میشد که نفوذ قابل توجه حزب کمونیست کارگری در اعماق جامعه ایران و بویژه در میان طبقه کارگر به خوبی قابل مشاهده است. موقعیتی که توده های مردم و انسانهای آزادیخواه و سوسیالیست را به وجد آورده است.

سالن زیبا و گروه موزیک تپش ۲۰۱۲، استقبال زیاد شرکت کنندگان و سخنرانی حمید تقوایی کیفیت و شور خاصی به مراسم بخشید. حمید تقوایی لیدر حزب در سخنرانی خود به شرایطی که حزب در آن تشکیل شد، به نقش مهم منصور حکمت بنیانگذار حزب و برافراشتن پرچم کمونیسم بعنوان بیان اعتراض ضد سرمایه داری طبقه کارگر پرداخت و گفت تشکیل حزب کمونیست کارگری در آن زمان، پاسخ کمونیسم ما به جهان پس از جنگ

سرد و فروپاشی دیوار برلین بود. حمید تقوایی به پیشرفت های مهم حزب در سالهای اخیر اشاره کرد و در ادامه سخنرانی خود گفت که در شرایط امروز انساندوستان در دنیا کم نیستند، پزشکان بدون مرز، قرائت کرد که به وسیله جمشید هادیان ترجمه شد. عصام شکاری به ضرورت تلاش حزب کمونیست کارگری ایران و تغییر این اوضاع به نفع مبارزه مردم در ایران و پیوند عمیقتر هردو حزب با اشاره به



شعرا، نویسندگان، خوانندگان و هنرمندان اینها همه خوب و باارزشند اما وجود يك حزب سیاسی مثل حزب کمونیست کارگری ضامن به پیروزی رساندن انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی و برقراری يك جامعه انسانی، شاد و مرفه است.

عصام شکاری دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری چپ عراق یکی دیگر از سخنرانان مراسم بود. وی پیام خود را به زبان انگلیسی

مهمانان مراسم بود که همراه با نسرین بهجو به اجرای طنزی در قالب يك دیالوگ دونفره علیه جمهوری اسلامی و هواداران آن پرداخت که توجه شرکت کنندگان در مراسم را بخود جلب کرد. در طول برنامه

فریدون فرهی و ایرج جنتی عطایی شعر و ترانه خواندند. فریدون فرهی با خواندن چند ترانه به مراسم حال و هوای دیگری بخشید و ایرج جنتی عطایی نیز قطعه شعری اجرا کرد. در فواصل سخنرانیها و پیامها، گروه

کنند! خودشان هم نمیدانند چه غلطی میخواهند بکنند! این همان سردرگمی و درماندگی ای است که در افتضاح کردان و روشن دزدیهای چندین میلیاردی آیت الله های ریز و درشت و بالاخره مضحکه رزمایش ناجا نیز شاهدش بوده ایم. خط و نشان میکشند اما از سایه خودشان هم میترسند!

دانشجویان آزاده! میتوانیم و باید روز شانزده آذر را همچون سالهای گذشته به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. نباید اجازه بدهیم روز دانشجو را به يك روز دولتی و

فرمایشی بدل کنند. سال گذشته احمدی نژاد را با شعار فاشیست برو گمشو بدرقه کردیم، امسال هم هر يك از مقامات که به خود جرات بدهد در روز دانشجو پا به دانشگاه بگذارد سرنوشت بهتری نخواهد داشت.

شانزده آذر سنتا روز قدرتمانی چپ در جامعه بوده است و امسال نیز چنین خواهد بود. در تمام طول سال گذشته علیرغم یورش وحشیانه رژیم به دانشجویان و بویژه فعالین چپ جنبش دانشجویی، مبارزات و دانشجویان مدام گسترش یافت. سال گذشته سال رشد و گسترش مبارزات دانشجویی در تهران و شیراز و اصفهان و همدان و لرستان و

موزیک تپش بازهم به صحنه آمدند و با ترانه های خود فضای شادی را در مراسم حاکم کردند.

بخش دیگری از مراسم سالگرد حزب که شکوه خاصی به آن بخشیده بود قرائت لیستی از پیامهای تبریک از جانب جمعها و محافل مختلف از مراکز کارگری و از جمعهای هوادار حزب در داخل ایران بود که شهلا دانشفر به نمایندگی آنان یکی از این پیامها را قرائت و به لیستی از پیامهای رسیده اشاره نمود.

شب شنبه ۲۹ نوامبر (۹ آذرماه) به شبی پر از عشق به مبارزه برای آرمان سوسیالیستی و آماده کردن حزب برای تغییرات سریعتر در ایران و ایجاد جامعه ای بدون جمهوری اسلامی، بدون دخالت مذهب در زندگی مردم و ایجاد امنیت، آزادی، رفاه و خوشبختی برای مردم ایران تبدیل شده بود. این ندا در علاقمندی و شور و شوق شرکت کنندگان در این مراسم دیده میشد. پایان بخش برنامه بریدن يك کیک بزرگ و زیبا بود که به ابتکار تشکیلات آلمان حزب به مناسبت تولد هفده سالگی حزب تهیه شده بود. مراسم در فضایی شاد و زیبا در شهر کلن آلمان برگزار گردید اما پیامی رسا برای پیروزی سوسیالیسم در ایران بود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آذرماه ۱۳۸۷، ۴ دسامبر ۲۰۰۸

بیرجند و زاهدان بود. سال گذشته در عین حال سال بجان هم افتادن مقامات رژیم فاسد اسلامی و رو شدن دزدیها و ارتشا و فساد مالی و اخلاقی آیت الله های میلیاردی بود. این رژیم رفتنی است و مبارزات دانشجویان نقش پیشرو و مهمی در سرنگون کردن این حکومت منحوس ایفا خواهد کرد. شانزده آذر امسال را به روز سرخ اعتراض و به روز اعلام کيفرخواست توده مردم بجان آمده علیه وضعیت موجود تبدیل کنیم!

سرتگون یاد جمهوری اسلامی!
زنده یاد سوسیالیسم!
حمید تقوایی
دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۴ آذر ۱۳۸۷، ۴ دسامبر ۲۰۰۸

از صفحه ۱ پیام حمید تقوایی ...

و حشت رژیم از روز شانزده آذر نیز دقیقاً از همین رو است. تلاش رژیم از زمانیکه علیه چپ در دانشگاهها "انقلاب فرهنگی" کرد تا زمانی که شبخ لنین را در دانشگاهها دید و تا امروز که اعلام میکنند برای "جلوگیری از توطئه ضد انقلاب" دانشگاهها را قرق خواهد کرد، همواره بر این بوده است که فریاد اعتراض دانشجویان را خفه کند و بویژه چپ را در دانشگاهها به عقب براند. و همواره نیز در این تلاشهای ارتجاعی خود ناکام بوده است. درماندگی و استیصال رژیم